

نویسنده : شارمین ناروانی (Sharmine Narwani) .  
منبع و تاریخ نشر : گلوبال ریسرچ «2013-6-26» .  
برگردان : پوهندوی دوکتور سیدحسام «مل» .

## « گزینه های سوریه »

### گزینه های واشنگتن در سوریه روبه کاهش است وبه سرعت کاهش می یابد

Washington's options in Syria are dwindling

And dwindling fast.

اتهامات جعلی و ساختگی علیه دولت سوریه مبنی بر داشتن سلاحهای کیمیاوی به نسبت عدم تهیه شواهد موثق بخاطر اطمینان و از میان بردن شک و تردید جامعه جهانی درین ماه منجر به شکست شد ، و روند پیگیری تعهد ایالات متحده امریکا به ارتباط تحویلی سلاحهای بیشتر تعویضی به شورشیان و شبه نظامیان افراطی سوریه بلافاصله مواجهه به دشواری و پرابلم گردید .



بلی درین چند روزهای تازه و کوتاه مخالفین دولت سوریه بعد از انتظارات طولانی مبنی بر داخل شدن ایالات متحده امریکا در آب های خون آلود ثوریه بین خود یکدگر را تبریک گفتند، و در ضمن آنها در مورد «بازی در حال تغیر» سلاح ها نیز بینهم صحبت کردند و آن اینکه ممکن موفقیت و دستاوردهای ارتش سوریه معکوس گردد و در مرز بین اردن و سوریه و سوریه و لیبی منطقه پرواز غیر ممنوع ایجاد شود و (19) کشور با هشت

هزار سرباز و وسایل و مهمات و سلاح ثقیله در مرز به تمرینات مشترک بپردازند و درین تمرینات پرتاب مزایل پاترویت نیز صورت خواهد گرفت و پرواز طیارات بمب افکن اف (16) نیز داخل پلان تمرینات مشترک خواهد بود و نیز جریان این تمرینات از طریق تلویزیون نیز برودکاست خواهد شد .

ولی درک آن زمان میخواید که تا هنوز ایالات متحده امریکا واقعاً نتوانسته داخل اقدام شود و یا آغاز و انجام این مطلب را اعلام بدارد .

صرف نظر از ارایه دلیل و برهان همین اکنون آرام آرام برای ایالات متحده امریکا قابل قبول نیست - نمی خواهد و یا نمیتواند طور مستقیم در قضیه زیدخل گردد چونکه آنها یعنی مقامات اجرایی ایالات متحده امریکا همگی محضاً به مشکل انتخاب شبهه نظامیان سوریه بغرض که به آنها سلاح توزیع بدارند بوده و از جانب دیگر متردد اند که چگونه خود را درگیر اقدامات غیر قانونی مبنی بر ایجاد منطقه پرواز غیر ممنوعه سازند در صورتیکه «70%» مردم امریکا نمیخواهند ازین نظر حمایت نمایند .

یگانه دلیل جدی مبنی بر اینکه چرا واشنگتن نمی خواهد با داخل شدن اش در تیاتر نظامی سوریه خطر و ریسک را بپذیرد تقریباً بطور کل اغماض و نادیده گرفتن از سیاست نمیتوانم است که این همانا شاید هم موضوع خروج نظامیان ایالات متحده امریکا از افغانستان در سال «2014» باشد .

**کمک نماید « ما بر آمده نمیتوانیم »:** همین اکنون به ارزش مجموعی

«36» میلیارد دالر امریکایی در حدود «750000» قطعات مهم وسایل ثقیله نظامی ارتش ایالات متحده امریکا در افغانستان وجود دارد که مصارف انتقال آن از داخل افغانستان به جای دیگر در حدود «7» میلیارد دالر امریکایی تخمین زده شده است، بناً این امر میتواند آسانتر باشد که این وسایل ثقیله نظامی بیرون آنکه به جای دیگری انتقال گردد در داخل افغانستان از بین برده شود اما با توجه ضیق بودن بودجه موجود ایالات متحده امریکا چشم انداز اقتصاد ضعیف و ناتوان آن کشور بعید به نظر می آید که ضیاع این وسایل مجدداً به اسانی تعویض گردد .

آوردن این تجهیزات در طول ده سال گذشته به افغانستان نسبت به خروج این وسایل در شرایط فعلی سهل و آسانتر بود ، و از طریق راه ترانزیت پاکستان به افغانستان آورده میشود چونکه در آغاز ورود این تجهیزات طیارات بیرون سر نشین ایالات متحده امریکا با پرتاب بمب هایش کشور را برای باشنده گان آن به جهنم تبدیل نه نموده بود و در آنوقت دسته های شورشی بوجود نیامده بود که راه های ترانزیتی را در اینجا و آنجا مسدود سازند ولی اکنون ایالات متحده امریکا نمیتواند که این تجهیزات اش را از افغانستان از طریق پاکستان خارج سازد .

تامین و فراهم آوری مسیر جاگزین از طریق کشورهای هم مرز افغانستان اعم از

ازبکستان، ترکمنستان و تاجکستان که تحت نام توزیع شبکه شمال در سال «2009» راه اندازی شد، راه و مسیری است که نسبت به مسیر انتقالات از راه پاکستان هم طولانی تر است و هم هزینه بیشتر را میخواید. و از جانی نسبت به تنازع و اختلافات حقوق بشر و شرایط طاقت فرسای انتقالات و حمل و نقل و احساسات ضد امریکایی غیر قابل پیشبینی شده در مردم کشورهای فوق و هم به نسبت که هرم بیش از حد این مسیر در دست هژمون منطقه یعنی روسیه می باشد مشکل است که امریکایی ها بتوانند این وسایل ثقیله را از این مسیر خارج سازند.

بر خلاف چون عراق در مسیری قرارداد داشت که ایالات متحده امریکا در تباری با کشورهای متحد عربی اش بر بنا در در امتداد خلیج فارس کنترل همه جانبه داشت و توانست که وسایل اش را به آسانی در عراق داخل نماید و یا از عراق خارج سازد در حالیکه افغانستان یک کشور کاملاً محاط به خشکه و کوهستانی بوده و توسط کشورها و یا اشخاصی احاطه شده است که همگی متخاصم منافع ایالات متحده امریکا بوده و در یک نقطه در هرگونه معاملات و دادوستد به صفت دشمنان ایالات متحده امریکا میباشند.

یگانه راه کوتاه و آسان که امریکارا در خروج وسایل ثقیله نظامی اش از افغانستان به بیرون میتواند کمک و مساعدت نماید یک چیز و یا یک وسیله است و آن یعنی کمک روسیه - ایران و به یک اندازه چین.

اما شوربختانه که هر سه کشور فوق الذکر علیه حکومت ایالات متحده امریکا و متحدان کشور سوریه میباشند و هرگز نمی خواهند که تقاضای ایالات متحده امریکا را مبنی بر خروج وسایل ثقیله اش از افغانستان از مسیر کشورهای شان اجاره دهند بلکه میخوایند که در طول «18» ماه باقی مانده یعنی تا تغییر رژیم در افغانستان پیمان نه خصومت ها و مخالفت ها علیه حکومت ایالات متحده امریکا بیشتر تشدید گردد.

از سوی دیگر با سپری شدن این چند ماه اخیر مواضع روسیه و ایران به نسبت دستاوردهای ارتش سوریه و تصرف مجدد شهرهای کلیدی و ولایات از دست شبهه نظامیان سوریه در سراسر کشور هرچه بیشتر مستحکمتر گردیده است.

پس با در نظر داشت این مطلب متحدان غربی بسرعت و با عجله به تغیر تعادل فضای نا مطلوب شان قبل از برگذاری مذاکره که قرار است در جینیوا منعقد گردد بصورت پیشرمانه و به درگیری بیشتر مخالفت های مرگبار بخاطر آنکه در میز مذاکره در راس اهرم قرار گیرند به شبهه نظامیان سوریه سلاح توزیع میدارند.

ولی شواهد نشان میدهد که هیچ یک از خواسته های غرب جامه عمل نخواهد پوشید با وجودیکه این رهبران غربی در اجلاس اخیر «G8» در تباری با هم به دنبال تضعیف رئیس جمهور روسیه آقای ولادیمیر پوتین از هیچ تلاشی دریغ نوزیدند و اجلاس را

بنام اجلاس «G7+1» مسمی نمودند. ولی باید بخاطر داشت که در ختم اجلاس ویا در اطلاعیه اجلاس ولادیمیر پوتین توانست ویا چانس به او یاری کرد که در هر بخش از معضلات سوریه به سهولت نتایج و دستاوردهای مطلوب و موفقا نه را نصیب شود که البته این دستاورد ها نه تنها در جامعه بین المللی با نقشی که ممکن در میز مذاکره به ارتباط موضوعات سوریه در جینوا بازی خواهد کرد بدست آورد بلکه اجلاس در اعلامیه اش در اشاره به بیرون رفت و نادیده گرفتن بشر الاسد ریس جمهور سوریه در حکومت آینده انتقالی که تقاضای اکید مخالفین دولت سوریه است از آن ذکری بعمل نیامد و هم در اعلامیه این اجلاس به ارتباط سلاحهای کیمیاوی که از طرف این رهبران غرب به دولت سوریه تهمت زده شده بود به نسبت عدم داشتن اسناد و شواهد موثق در اعلامیه مذکور چیزی تذکر داده نشد و بدین اساس یک بار دیگر بر نیرومندی نیروهای امنیتی سوریه مهترتاید زده شد با وجودیکه کشور های گروپ هشت به تشویق شبهه نظامیان افراطی سوریه پرداختند ولی دستاوردی بدست نیاوردند.

باید خاطر نشان ساخت که برای روس ها این موفقیت و دستاورد یک موفقیت ناچیز و پیش پا افتاده نبوده و نباید بی اهمیت تلقی گردد بلکه این اولین الهام و شادباشی عامه رامیتواند در برداشته باشد که برای بار اول و اشنگتن و لندن و پاریس منافع شان را در سوریه از دست میدهند، پس در اینجا ایجاب طرح سوال بمیان می آید؟ و آن اینکه روس ها چه نوع کارتی در دست دارند که یک نوع بازگشتی خیره کننده را به ارمغان آوردند و هفته ای نگذشته بود که و اشنگتن دست به ماجرای زد و میخواستند بخاطر هر چه شعله ور ساختن مخالفت ها به توزیع سلاح برای شورشیان سوریه صرف نظر از رعایت میثاق های بین المللی و قوانین در دست داشته خود حکومت ایالات متحده امریکا داخل اقدام شود.

## امریکا خروج اش را از افغانستان برگزیده است: استقرار نیروهای

نظامی ایالات متحده امریکا در بیشتر قسمت های از سوریه بیدون درگیر شدن در جنگ وجدال بحال خود باقی مانده و در آنجا ها عملیات ها تنها به سازمان سیاه و پیما نکاران خارجی محول گردیده است.

ولی ایالات متحده امریکا بخاطر رهایی از وظیفه دیواسایی «عظیم الجثه» اشغال طولانی یک دهه افغانستان درین اواخر در جهت راه یابی بیرون رفت از این وظیفه بهر طرف دست و پا میزند و به همین منظور ریس جمهور ایالات متحده امریکا آقای باراک اوباما را به تلاشی و ادار ساخته است تا اولویت و خواست پنتاگون رامبنی بر اخراج شان از افغانستان جامه عمل بیوشاند. روی این منظور ریس جمهور اوباما بصورت اجتناب ناپذیر در پی دعوت طالبان به میز مذاکره بغرض حل سیاسی بحران افغانستان از طریق دیپلوماتیک و هر راه دیگر مناسب بوده و از مدت چند سال به اینسو در تلاش می باشد

و در عین حال او امیدوار است تا در آخرین لحظات کلاه خود را بیرون آورده با دشمنان خود به معامله ای ولو که به ضررش نیز تمام شود بپردازد تا اگر بتواند بشکل مصون و بیدون هرگونه دلهره گی از بحران افغانستان استوار بدر شود و رهایی یابد.

امریکایی ها عمیقاً در تشویش و اضطراب اند و آن اینکه اگر جنگ در افغانستان ادامه یابد دولت کابل او ارتش افغانستان سقوط نماید پس در آنصورت، پایگاه ها، مشاورین، و نیروهای خاص ایالات متحده امریکا در کشور باقی خواهد ماند و چه پیامد و عاقبتی در قبال خواهند داشت، فلذا با در نظر داشت همین مطلب این ایالات متحده امریکا است که در تشویش و اضطراب عمیق دست و پا میزند. درین مورد آقای پروفیسور اناتول لیبن «Anatol Lieven» کار آگاه امور افغانستان و افغان شناس در کالج شاهی دولت سلطنتی بریتانیا در مورد گفتگوی دولت ایالات متحده امریکا با طالبان در دوحه پایتخت قطر چنین اظهار مینماید: «آنها مشهوداً میخواهند با طالبان به توافق آتش بس نایل آیند».

حتی می پنداریم که ایالات متحده امریکا ممکن بتواند در میز مذاکره بالای چوکی خود بنشینند ولی نباید فراموش کرد که در اینجا بسی موضوعات دیگر نیز وجود دارد که بصورت قطع میتواند روند مذاکرات را مختل سازد و یا اینکه شاید این مذاکرات طول کشد مقامات بیشتر رسمی ایالات متحده امریکارا برای مدت های طولانی مصروف سازد.

برای آغازگران مذاکره بشمول احزاب - حکومت ریس جمهور افغانستان آقای حامد کرزی (مشمول از رهبران رقیب قومی و قبیلوی) طالبان جدید ورود و همین اکنون بازی کنان ذینفع منطقه مانند ایران - پاکستان - روسیه و چین و ایالات همسایه که میتوانند در هر زمان هرگونه فشار را به نفع خود بالای اهداف مذاکره وارد سازند دست نیرومندی دارند.

بگونه مثال همین اکنون قراریکه همه احزاب آگاهی دارند طالبان همانند طالبان که با امریکایی ها در دوحه میخواهند به مذاکره بنشینند دروازه های تهران را بغرض دریافت کمک دق الباب میکنند و البته که این اولین بار نیست که این هردو طرف باهم ملاقات می نمایند؟

قابل یادآوری است و آن اینکه ایالات متحده امریکا مغرورانه دشمنان افغانی خود را در طول سالها در زیر طول بازوی خود نگه داشته ولی ایرانیها با استخدام نیروی ملایم در همسایگی شان مشغول بوده و کاری را انجام دادند. در حالیکه ایالات متحده امریکا در طول یک دهه با سیاست بهره گیری و مد یریت سو و ناقص اش حتی متحدین خود را بشمول قوت ها منطقه از خود راند.

از برگذاری و توافق عقد قرارداد تمديد خط لوله گاز که در اوایل سال جاری بین ایران

و پاکستان که یک زمانی غیر قابل تصور بود هنوز یک ماه سپری نشده است که ایران توانسته است در قلب کابل در زیر ساخت های خدمات اجتماعی سرمایه گذاری نماید ، ایران همچنان با پاکستان در بخش های گوناگون و از جمله در بخش های اطلاعاتی و امنیتی پروژه های چندی را روی دست گرفته و بینهم پروتوکول نموده اند و از جانبی این ایران است که با گسترش شبکه های حسن نیت اش با اقوام و قبایل و نخبگان و حلقات سیاسی در افغانستان و حتی با طالبان و مرییان شان در اسلام آباد روابط تنگ را برقرار نموده است .

شماری از متخصصین و کارشناسان نظامی ایالات متحده امریکا مقیم در افغانستان و عراق به ارتباط نفوذ ایران مطالب ذیل را بمن یاد اوری نمودند:

" ایرانی ها اساساً به بهره برداری آسیب پذیری ما ، میخواهند شگاف ها و خالیگاه های را که از نظر ما پنهان مانده است پر نمایند ، با وجود حضور طولانی ارتش و مشاورین ایالات متحده امریکا و یا ما امریکایی ها با آنهام ایرانیها از نفوذ خارق العاده در افغانستان و پاکستان برخوردارند ، و این خود به جز هر چه گسترده تر ناچیز و محقر شمردن و مداخله در وظایف و پلان های دست اندرکاران ایالات متحده امریکادر افغانستان چیزی دیگری نمیتواند باشد و بحق میتوان گفت که این خود سرآمد دیپلوماسی ایران میباشد . و از جانی در این مدت هفت سالی که سپری شد بین ایران و پاکستان مناسبات در اکثر موارد بهبودی قابل ملاحظه کسب کرده بخصوص مناسبات نظامی و مناسبات به ارتباط شورشی ها و ..... و از جانبی ایران توانسته که در کابل مساجد و مکاتب و مراکز فعال فرهنگی مفت و رایگان و به رضای خدا را احداث و عمار نماید . "

ممکن است که ایرانی ها روند مسالمت آمیز و بی سر و صدای خروج نظامیان و وسایل و وسایط ایالات متحده امریکا از افغانستان به بیرون را مختل سازند . ولی این منبع خبری یاد آور شد که بازیگر عمده به ارتباط که اگر بخواید روند خارج شدن امریکایی ها را از افغانستان به بیرون مختل سازد روسیه خواهد بود چونکه هژمونی منطقه را در دست دارد .

« ما در قرغستان پایگاه هوایی داریم که بسی مهمات و وسایل ما در آنجا جا بجا میباشد بخصوص گدام ها « ویر هوسهای » موادغذای نظامیان ما ، وسایل خورد و ریزه و پرچون و وسایل نه چندان ثقیل که همه برای مصارف و کار آمد نظامیان ما مقیم در افغانستان در آنجا انبار و ذخیره شده است ، و از آنجاییکه روسیه بالای این کشور از نفوذ بیشتر برخوردار است چنانچه این کشور چند بار پول کرایه پایگاه را که ما در آنجا جاگزین ایم بالا برد ، لذا تشویش ما در این است که نشود قرغستان به تمحید روسیه مارا وادارد که این پایگاه را ترک نمایم .

چند روز قبل پارلمان دولت قرغستان به اتفاق ارای فیصله بعمل آوردند که این پایگاه باید بتاريخ دوهم جولای (2014) مسدود گردد یعنی شش ماه قبل از خروج کامل ایالات

متحدہ امریکا از افغانستان ، شور بختا نه که این فیصله تصادفاً با اجلاس گروه هشت منعقدہ در ایرلیند مبنی بر جروبحث پیرامون بحران سوریه و صف ارایہی اعضای شامل جلسہ و رای گیری بہ ارتباط قطعنامہ در این اجلاس همزمان رخ میدہد کہ میتواند نگران کنندہ با شد .

درپہلوی این ہمہ رخداد ہا منابع خبری نظامی ایالات متحدہ امریکا در منطقہ همچنان توضیح داد کہ روسیہ اکنون بہ چہ سہل و آسانی میتواند شرط و شرایط دلخواہ خود را بہ پنتاگون عرضہ نماید یعنی بہ اصطلاح « گلدان ویا ظرف شرین را بہ پنتاگون پیشکش نماید» .

« ما » منظور از امریکایی ہا « همزمان برخی حمایت های مبنی بر خروج ما از افغانستان از مسیر تاجکستان بہ کمک روسیہ دریافت کردیم و مادر عوض بہ تاجکستان تعہد نمودیم کہ در بازگشت بہ کمک مالی ایالات متحدہ امریکا برخی جادہ ہاوراہ های مواصلتی تاجکستان را احداث و ترمیم می نمایم کہ این پروتوکول بین امریکا و تاجکستان قبلاً منعقد گردید و از جانب دیگر روسہا بما وعدہ سپردہ بودند کہ اگر ما بتوانیم از مسیر کشور های ہمسا یہ افغانستان وسایل و جزو تانہ های نظامی خود را خارج سازیم روسیہ ممانعت نخواہد کرد اما از آنجا یکہ سیاست همچو آب سیال است میتواند در ہر لحظہ و در ہر شرایط تغیر نماید کہ طبعاً وابستہ بہ شرایط و اوضاع خاص می باشد دیدہ شود کہ چہ عواقبی را در بر خواہد داشت .»

ناتو در ماہ اپریل از مسکو مبنی بر اخراج نیروہای اش از افغانستان آگاہی دریافت نمود و بطور ہمہ جانبہ مطمئن شد کہ نیروہا و سلاحہای ثقیل داشتہ شان را بیدون درد سر و دغدغہ از افغانستان بیرون می کشند ولی با وجود اطمینان خاطر بعضاً ہم در روند بیرون شدن شان از افغانستان دچار یک سلسلہ نوسانات ذهنی و نگرانی ہا گردیدہ و در پی آن شدہ تا عوامل این نگرانی ہا را ہرچہ زودتر درک نماید و بہ رفع و دفع آن اقدام نماید .

## اما در مورد چین از چہ قرار ؟ منافع چینی ہا کمی متفاوت میباشد

وچینایی ہا در مورد خروج نظامیان ما از افغانستان خویشتن را بیشتر متمرکز نمی سازند بلکہ آنها بیشتر متمایل اند کہ نفوذ و اہداف بلند بالای ایالات متحدہ امریکا را در منطقہ تضعیف نمایند این مطلب را یک منبع متعلق بخودم توضیح داد : و آن اینکہ چینایی ہا بیشتر مشتاق تحمیل نفوذ شان بالای کشور ہا بخاطر بدست آوردن منابع آن کشور ہا بغرض رفع نیاز مند یہای داخلی شان می باشند و آنها پیوستہ در صدد کاهش و تضعیف نفوذ ایالات متحدہ امریکا در منطقہ بودہ میخوانند با در نظر داشت ہمچشمی و رقابت آن منابع را بدست آورند کہ ایالات متحدہ امریکا در پی بدست آوردن آن در تلاش میباشد وچینی ہا با وجودیکہ امریکایی ہا در بدست آوردن منابع قوانین

سختگیرانه ای مناقصه و مزایده را رعایت می نمایند ولی چینیایی هاحتی تاسرحد رشوه و تطمیع میخوانند بر آن منابع دسترسی حاصل نمایند و یا بعباره دیگر چینیایی ها ما نند هرکس دیگر در همچو همسایگی در دهه های گذشته پیوسته مانع تامین منافع ایالات متحده امریکا در منطقه چه از لحاظ سیاسی و یا چه هم از نظر اقتصادی شده اند .

از جانب دیگر همچنین در مدت کوتاه با درک از شرایط داخلی و بین المللی بهرحال در مقایسه با شکست پنتاگون مبنی بر تضمین خروج و سایل و داشته های اش بشکل مصون و بیبدون دغدغه از افغانستان ضعیف و کم رنگ جلوه می نماید .

« در آخرین تحلیل "یک منبع نظامی ایالات متحده امریکا با تمسخر و با یک طنز و تکبر بزرگ گفت : که « اگر ما بخواهیم که هرچه عاجلتر با قبول قربانی حد اقل از افغانستان خارج شویم این خروج بمراتب برای ما بیخطر خواهد بود نسبت به آنکه اگر ما بخواهیم به کمک ایران از افغانستان با وسایل در دست داشته ای خود خارج شویم .

جیمز دوبین (James Dobbins) که در ماه می از جانب رییس جمهور اوباما به حیث نماینده ای خاص در امور افغانستان و پاکستان برگزیده شد از انجائیکه سه سال قبل من شرف مصاحبه را با او در واشنگتن داشتم کاملاً میدانم و یا به این با وروم که او در بین اکثریت دیپلمات ها یکی از کار کشته ترین و مجرب و صریح الهجه میباشد و یک انتخاب کاملاً بجا است آنچنانیکه اودردفاع از منافع ایالات متحده امریکادر مذاکرات با ایران بهتر تر درخشید .

این دیپلمات ارشد بعد از تجاوز ایالات متحده امریکا بالای افغانستان مامور مذاکره با جانب ایران در همکاری متقابل بغرض اخراج طالبان از افغانستان و تعویض دولت طالبان به یک دولت معتدل گردید ولی با سپری شدن یک هفته از مذاکره رییس جمهور ایالات متحده امریکا جورج والتر بوش طی صحبتی تاریخی اش که در آن از «محور شرارت نام برد و ایران را در جمله دشمنان امریکا دشمن شماره سوم یاد نمود مذاکرات بین دوبین و جانب ایران متوقف گردید .

ولی اکنون بعید به نظر می آید که در مذاکرات دوحه اوبتواند معجزه نماید و ایران را متقاعد سازد که در خروج نیروهای نظامی و وسایل و مهمات نظامی امریکا از افغانستان توافق ایران را از مسیر و راههای ترانزیت آن کشور بدست آورد .

پرابلم و مشکل ایالات متحده امریکا همیشه در این است که نمیتواند فرصتهای از هم گذشته را باهم سربندی نماید و از رخدادها عبرت اندوزی کند بلکه میخواهد آخرین قدرت غیر ممکن را بازی نماید و طوری می نگرد که با این بازی خواهد توانست بالای وضع ، بالای یک کشور و یا بالای دشمن مسلط گردد و به هدف قبلاً مطرح شده اش نایل آید .

نگرانی دیگری که آنرا ایالات متحده امریکا اکثراً شعارگونه تکرار می نماید و به آن تاکید می ورزد به اصطلاح درهم گسیختگی ، برچیده شدن و شکست القاعده میباشد



وطوری مینگرد که این یگانه راه حل یک مرحله ای بر تمام پرابلم ها است یا به عباره دیگر با از بین رفتن القاعده در یک وخت و زمان بالای همه پرابلم ها میتوان مسلط گردید که این خود بیش از یک تصور چیزی دیگری نمیتواند باشد.

این استثنا به نظر من ویا آنچه را که من فرض مینمایم در مورد خروج از سوریه است ویا به عباره دیگر عدم مداخله در سوریه که پذیرش آن برای ایالات متحده امریکا با وجود درک از آسیب پذیری آن غیر ممکن است انتخاب امریکا ممکن آن باشد تا در تمام قلمرو شرق میانه ودر منطقه جنگ هرچه گسترده تر را بخاطر اجتناب از مصالحه ایکه برای ایالات متحده امریکا به نظر خودش درد ناک می باشد دامن زند.

**شارمین ناروانی** مفسر ، نویسنده و تحلیلگر سیاسی است که  
اکثراً مسایل شرق میانه را به تحلیل میگیرد ، شما میتوانید با  
او در تویتر @snarwani تماس بگیرید .

-----  
بالحترام